

دلیل بزرگداشت اربعین حسینی چیست؟

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

اعتبار اربعین امام حسین (علیه السلام) از قدیم الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین (علیه السلام) شناخته شده بوده و است. کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی از روایات فراوان در باره تقویم مورد نظر شیعه در باره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، ذیل ماه «صفر» مینویسد: نخستین روز این ماه (از سال 121)، روز کشته شدن زید بن علی بن الحسین است.

روز سوم این ماه از سال 64 روزی است که مسلم بن عقبه پرده کعبه را آتش زد و به دیوارهای آن سنگ پرتاب نمود در حالی که به نمایندگی از یزید با عبدالله بن زبیر در نبرد بود.

روز 20 صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین (علیه السلام) یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بشتابد و او نخستین کسی است از مردم که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

در این روز زیارت امام حسین (علیه السلام) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری (علیه السلام) روایت شده است. شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق (علیه السلام) آورده است: «السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه، السلام علی

صفی الله و ابن صفیه...»

این مطلبی است که شیخ طوسی، عالم فرهیخته و معتبر و معقول شیعه در قرن پنجم در باره اربعین آورده است. طبقاً بر اساس اعتباری که این روز میان شیعیان داشته است، از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین میخواندهاند و اگر میتوانستهایند مانند جابر بر مزار امام حسین (علیه السلام) گرد آمده و آن امام را زیارت میکردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیون‌ها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر مزار امام حسین (علیه السلام) جمع می‌شوند.

در اینجا و در ارتباط با اربعین چند نکته را باید توضیح داد.

1. عدد چهل

نخستین مسأله ای که در ارتباط با «اربعین» جلب توجه میکند، تعبیر اربعین در متون دینی است. ابتدا باید نکته‌های را به عنوان مقدمه یادآور شویم:

اصولا باید توجه داشت که در نگرش صحیح دینی، اعداد نقش خاصی به لحاظ عدد بودن، در القای معنا و منظوری خاص ندارند؛ به این صورت که کسی نمیتواند به صرف این که در فلان مورد یا موارد، عدد هفت یا دوازده یا چهل یا هفتاد به کار رفته، استنباط و استنتاج خاصی داشته باشد. این یادآوری، از آن روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، به ویژه آنها که تمایلات «باطنیگری» داشته یا دارند و گاه و بی گاه خود را به شیعه نیز منسوب میکرده اند، و نیز برخی از شبه فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای در باره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند. در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقل‌های دینی آمده، میتواند بر اساس یک محاسبه الهی باشد، اما این که این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون یک مستند دینی میتوان از آن در سایر موارد استفاده کرد، قابل قبول نیست.

به عنوان نمونه، در دهها مورد در کتاب‌های دعا، عدد صد به کار رفته که فلان ذکر را صد مرتبه بگویید، اما این دلیل بر تقدس عدد صد به عنوان صد نمیشود. همینطور سایر عددها. البته ناخواسته برای مردم عادی، برخی از این اعداد طی روزگاران، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوء استفاده‌هایی هم از آنها میشود. تنها چیزی که در باره برخی از این اعداد میشود گفت آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است. به عنوان مثال، در باره هفت چنین اظهار نظری شده است. بیش از این هر چه گفته شود، نمیتوان به عنوان یک استدلال به آن نظر کرد.

مرحوم اربلی، از علمای بزرگ امامیه، در کتاب کشف الغمه فی معرفة الائمة در برابر کسانی که به تقدس عدد دوازده و بروج دوازدهگانه برای اثبات امامت ائمه اطهار (علیهم السلام) استناد کرده‌اند، اظهار میدارد، این مسأله نمیتواند چیزی را ثابت کند؛ چرا که اگر چنین باشد، اسماعیلیان یا هفت امامی‌ها، میتوانند ده‌ها شاهد - مثل هفت آسمان - ارائه دهند که عدد هفت مقدس است، کما این که این کار را کرده‌اند.

حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است:

1- خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (17 رکعت نماز واجب + 11 نماز شب + 23 نوافل)

2- زیارت اربعین

3- انگشتی در دست راست

4 - وجود آثار سجده بر پیشانی

5 - بلند خواندن بسم الله در نماز

عدد «اربعین» در متون دینی یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. یک نمونه آن که سنّ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زمان مبعوث شدن، چهل بوده است. گفته شده

که عدد چهل در سن انسانها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. گفتنی است که برخی از انبیاء در سنین کودکی به نبوت رسیده‌اند. از ابن عباس (گویا به نقل از پیامبر) نقل شده که اگر کسی چهل ساله شد و خیرش بر شرش غلبه نکرد، آماده رفتن به جهنم باشد. در نقلی آمده است که، مردمان طالب دنیاوند تا چهل سالشان شود. پس از آن در پی آخرت خواهند رفت. (1)

در قرآن آمده است «مِیقات» موسی با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود. (2) درباره بنی اسرائیل هم آمده که برای استجابت دعای خود چهل شبانه روز ناله و ضجه میکردند. (مستدرک ج 5، ص 239) در نقلی آمده است که اگر کسی چهل روز خالص برای خدا باشد، خداوند او را در دنیا زاهد کرده و راه و چاه زندگی را به او میآموزد و حکمت را در قلب و زبانش جاری میکند. بدین مضمون روایات فراوانی وجود دارد. چله نشینی صوفیان هم درست یا غلط، از همین بابت بوده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار در این باره که برگرفتن چهل نشینی از حدیث مزبور نادرست است، به تفصیل سخن گفته است.

اعتبار حفظ چهل حدیث که در روایات فراوان دیگر آمده، سبب تألیف صدها اثر با عنوان اربعین در انتخاب چهل حدیث و شرح و بسط آنها شده است. در این نقل‌ها آمده است که اگر کسی از امت من، چهل حدیث حفظ کند که در امر دینش از آنها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد. در نقل دیگری آمده است که امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «اگر چهل مرد با من بیعت میکردند، در برابر دشمنانم می ایستادم.» (3)

مرحوم کفعمی نوشته است: زمین از یک قطب، چهار نفر از اوتاد و چهل نفر از ابدال و هفتاد نفر نجیب، هیچگاه خالی نمیشود. (4)

در باره نطفه هم تصور بر این بوده که بعد از چهل روز علّقه میشود. همین عدد در تحولات بعدی علّقه به مُضْغِه تا تولد در نقل های کهن به کار رفته است، گویی که عدد چهل مبدأ یک تحول دانسته شده است. در روایت است که کسی که شراب خواری کند، نمازش تا چهل روز قبول نمیشود. و نیز در روایت است که کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقتش تند میشود. نیز در روایت است که کسی که چهل روز طعام حلال بخورد، خداوند قبلش را نورانی میکند. نیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که لقمه حرامی بخورد، تا چهل روز دعایش مستجاب نمیشود. (5) اینها نمونه‌های از نقل‌هایی بود که عدد اربعین در آنها به کار رفته است.

2. اربعین امام حسین (علیه السلام)

باید دید در کهن ترین متون مذهبی ما، از «اربعین» چگونه یاد شده است. به عبارت دیگر دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟ چنان که در آغاز گذشت، مهمترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری (علیه السلام) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: نشانه های مؤمن پنج چیز است: 1- خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (17 رکعت نماز واجب + 11 نماز شب + 23 نوافل) 2- زیارت اربعین 3- انگشتی در دست راست 4 - وجود آثار سجده بر پیشانی 5 - بلند خواندن بسم الله در نماز .

این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین (علیه السلام) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.

اما این که منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است. نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند.

دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را زیارت کند. شیخ مفید در «مسار الشیعه» که در ایام مولید و وفیات ائمه اطهار (علیهم السلام) است، اشاره به روز اربعین کرده و نوشته است: این روزی است که حرم امام حسین (علیه السلام)، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وارد کربلا شد.

کهن‌ترین کتاب دعایی مفصل موجود، کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی از شاگردان شیخ مفید است که ایشان هم همین مطلب را آورده است. شیخ طوسی پس از یاد از این که روز نخست ماه صفر روز شهادت زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) و روز سوم ماه صفر، روز آتش زدن کعبه توسط سپاه شام در سال 64 هجری است، مینویسد: بیستم ماه صفر (چهل روز پس از حادثه کربلا) روزی است که حرم سید ما اباعبدالله الحسین از شام به مدینه مراجعت کرد و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مدینه وارد کربلا شد تا قبر حضرت را زیارت کند. او نخستین کس از مردمان بود که امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرد. در چنین روزی زیارت آن حضرت مستحب است و آن زیارت اربعین است. (6) در همانجا آمده است که وقت خواندن زیارت اربعین، هنگامی است که روز بالا آمده است.

منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است. نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند. دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را زیارت کند.

در کتاب «نزهة الزاهد» هم که در قرن ششم هجری تألیف شده، آمده: در بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین از شام به مدینه آمدند. (7) همین طور در ترجمه فارسی فتوح ابن اعثم (8) و کتاب مصباح کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری است این مطلب آمده است. برخی استظهار کرده‌اند که عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی، بر آن است که روز اربعین، روزی است که اسرا از شام به مقصد مدینه خارج شدند نه آن که در آن روز به مدینه رسیدند. (9) به هر روی، زیارت اربعین از زیارت‌های مورد وثوق امام حسین (علیه السلام) است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

3. بازگشت اسیران به مدینه

بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا اشاره کردیم که شیخ طوسی، بیستم صفر یا اربعین را، زمان بازگشت اسرای

کربلا از شام به مدینه دانسته است. باید افزود که نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام را به «کربلا» تعیین کرده است. تا اینجا، از لحاظ منابع کهن، باید گفت اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است. با این حال، علامه مجلسی پس از نقل هر دو اینها، اظهار میدارد: احتمال صحت هر دوی اینها (به لحاظ زمانی) بعید مینماید. (10) ایشان این تردید را در کتاب دعایی خود «زاد المعاد» هم عنوان کرده است. با این حال، در متون بالنسبه قدیمی، مانند «لهوف» و «مثیرالاحزان» آمده است که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا، از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آنها را از کربلا عبور دهند.

باید توجه داشت که این دو کتاب، در عین حال که مطالب مفیدی دارند، از جهاتی، اخبار ضعیف و داستانی هم دارند که برای شناخت آنها باید با متون کهن تر مقایسه شده و اخبار آنها ارزیابی شود. این نکته را هم باید افزود که منابعی که پس از لهوف، به نقل از آن کتاب این خبر را نقل کرده اند، نباید به عنوان یک منبع مستند و مستقل، یاد شوند. کتاب هایی مانند «حبیب السیر» که به نقل از آن منابع خبر بازگشت اسرا را به کربلا آورده اند، (11) نمیتوانند مورد استناد قرار گیرند.

در اینجا مناسب است دو نقل را در باره تاریخ ورود اسرا به دمشق یاد کنیم. نخست نقل ابوریحان بیرونی است که نوشته است:

در نخستین روز ماه صفر، أدخل رأس الحسين (عليه السلام) مدینه دمشق، فوضعه یزید لعنة الله بین یدیه و نقر ثنایاه بقضیب کان فی یده و هو یقول:

لست من خندق ان لم أنتقم من بنی أحمد، ما کان فَعَلَ	لَيْتَ أَشْيَاخِي بَدَرٍ شَهِدُوا جَزَعَ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسْلِ
فَأَهْلُوا وَاسْتَهْلُوا فَرَحًا ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تَشُلْ	قَدْ قَتَلْنَا الْقُرْنَ مِنْ أَشْيَاخِهِمْ وَعَدَلْنَاهُ بَدَرٍ، فَاعْتَدِلْ (12)

وی روز اول ماه صفر را روزی می داند که سر امام حسین (علیه السلام) را وارد دمشق کرده و یزید هم در حالی که اشعار ابن زبیری را می خواند و بیتی هم بر آن افزوده بود، با چوبی که در دست داشت بر لبان امام حسین (علیه السلام) می زد.

دوم سخن عمادالدین طبری در «کامل بهائی» است که رسیدن اسرا به دمشق را در 16 ربیع الاول دانسته - یعنی 66 روز پس از عاشورا - می داند که طبیعت تر مینماید.

4. میرزا حسین نوری و اربعین

علامه میرزا حسین نوری از علمای برجسته شیعه، و صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» در کتاب «لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر» به نقد و ارزیابی برخی از روضه ها و نقل هایی پرداخته که به مرور در جامعه شیعه رواج یافته و به نظر وی از اساس، نادرست بوده است. ظاهرا وی در دوره اخیر نخستین کسی است که به نقد این روایت

پرداخته و دلایل متعددی در نادرستی آن اقامه کرده است.

ایشان این عبارت سید بن طاوس در لهوف را نقل کرده است که اسرا در بازگشت از شام، از راهنمای خود خواستند تا آنها را به کربلا ببرد؛ و سپس به نقد آن پرداخته است. (13) داستان از این قرار است که سید بن طاوس در «لهوف» خبر بازگشت اسراء را به کربلا در اربعین نقل کرده است. در آنجا منبع این خبر نقل نشده و گفته میشود که وی در این کتاب مشهورات میان شیعه را که در مجالس سوگواری بوده، در آن مطرح کرده است. اما همین سید بن طاوس در «اقبال الاعمال» با اشاره به این که شیخ طوسی در مصباح میگوید اسرار روز اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند و خبر نقل شده در غیر آن که بازگشت آنان را در اربعین به کربلا دانسته‌اند، در هر دو مورد تردید میکند. تردید او از این ناحیه است که ابن زیاد مدتی اسراء را در کوفه نگه داشت. با توجه به این مطلب و زمانی که در این نگه داشته صرف شده و زمانی که در مسیر رفت به شام و اقامت یک ماهه در آنجا و بازگشت مورد نیاز است، بعید است که آنان در اربعین به مدینه یا کربلا رسیده باشند. ابن طاوس میگوید: این که اجازه بازگشت به کربلا به آنها داده باشد، ممکن است، اما نمیتوانسته در اربعین باشد. در خبر مربوط به بازگشت آنان به کربلا گفته شده است که همزمان با ورود جابر به کربلا بوده و با او برخورد کرده‌اند. ابن طاوس در این که جابر هم روز اربعین به کربلا رسیده باشد، تردید میکند. (14)

ایشان در باره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهل روز از کربلا به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرتها و مسیرها و زمان‌هایی که برای این راه در تاریخ آمده را به تفصیل نقل کرده‌اند. در این نمونه‌ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی میشده و بنابر این، ممکن است که در یک چهل روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین (علیه السلام) روز اول صفر وارد دمشق شده، میتوان اظهار کرد که بیست روز بعد، اسرا میتوانند در کربلا باشند.

این ممکن است که ابن طاوس لهوف را در جوانی و اقبال را در دوران بلوغ فکری تألیف کرده باشد. در عین حال ممکن است دلیل آن این باشد که آن کتاب را برای محافل روضه خوانی و این اثر را به عنوان یک اثر علمی نوشته باشد. دلیلی ندارد که ما تردیدهای او را در آمدن جابر به کربلا در روز اربعین بپذیریم. به نظر می‌رسد منطقی‌ترین چیزی که برای اعتبار اربعین در دست است همین زیارت جابر در نخستین اربعین به عنوان اولین زائر است. اما در باره اعتبار اربعین به بازگشت اسرا به کربلا توجه به این نکته هم اهمیت دارد که شیخ مفید در کتاب مهم خود در باب زندگی امامان و در بخش خاص به امام حسین (علیه السلام) از کتاب "ارشاد" در خبر بازگشت اسراء، اصلاً اشارهای به این که اسرا به عراق بازگشتند ندارد. همین طور ابومخنف راوی مهم شیعه هم اشارهای در مقتل الحسین خود به این مطلب ندارد. در منابع کهن تاریخ کربلا هم مانند انساب الاشراف، اخبار الطوال، و طبقات الکبری اثری از این خبر دیده نمیشود.

روشن است که حذف عمدی آن معنا ندارد؛ زیرا برای چنین حذف و تحریفی، دلیلی وجود ندارد.

خبر زیارت جابر، در کتاب بشارة المصطفی آمده، اما به ملاقات وی با اسرا اشاره نشده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم، به تبع استاد خود نوری، داستان آمدن اسرای کربلا را در اربعین از شام به کربلا

نادرست دانسته است. (15) در دهه‌های اخیر مرحوم محمدابراهیم آیتی هم در کتاب بررسی تاریخ عاشورا

بازگشت اسرا را به کربلا انکار کرده است. (16) همین طور آقای مطهری که متأثر از مرحوم آیتی است. اما این

جماعت یک مخالف جدی دارند که شهید قاضی طباطبائی است.

5. شهید قاضی طباطبائی و اربعین

شهید محراب مرحوم حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی(ره)، کتاب مفصلی با نام «تحقیق در باره اولین اربعین حضرت سید الشهداء» در باره اربعین نوشت که اخیراً هم به شکل تازه و زیبایی چاپ شده است. هدف ایشان از نگارش این اثر آن بود تا ثابت کند، آمدن اسرای از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. این کتاب که ضمن نهصد صفحه چاپ شده، مشتمل بر تحقیقات حاشیهای فراوانی درباره کربلاست که بسیار مفید و جالب است. اما به نظر میرسد در اثبات نکته مورد نظر با همه زحمتی که مؤلف محترم کشیده، چندان موفق نبوده است.

ایشان در باره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهل روز از کربلا به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرتها و مسیرها و زمانهایی که برای این راه در تاریخ آمده را به تفصیل نقل کرده اند. در این نمونهها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی میشده و بنابر این، ممکن است که در یک چهل روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین (علیه السلام) روز اول صفر وارد دمشق شده، میتوان اظهار کرد که بیست روز بعد، اسرا میتوانند در کربلا باشند.

باید به اجمال گفت: بر فرض که طی این مسیر برای یک کاروان، در چنین زمان کوتاهی، با آن همه زن و بچه ممکن باشد، باید توجه داشت که آیا اصل این خبر در کتابهای معتبر تاریخ آمده است یا نه. تا آنجا که میدانیم، نقل این خبر در منابع تاریخی، از قرن هفتم به آن سوی تجاوز نمیکند. به علاوه، علمای بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، نه تنها به آن اشاره نکردهاند، بلکه به عکس آن تصریح کرده و نوشته اند: روز اربعین روزی است که حرم امام حسین(علیه السلام) وارد مدینه شده یا از شام به سوی مدینه خارج شده است. آنچه میماند این است که نخستین زیارت امام حسین (علیه السلام) در نخستین اربعین، توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است و از آن پس ائمه اطهار (علیهم السلام) که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین (علیه السلام) بهره میگرفتند، آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده، به عنوان روزی که زیارت امام حسین (علیه السلام) در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

متن زیارت اربعین هم از سوی امام صادق(علیه السلام) انشاء شده و با داشتن آن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار میکند.

اهمیت خواندن زیارت اربعین تا جایی است که از علائم شیعه دانسته شده است، درست آنگونه که بلند خواندن بسم الله در نماز و خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز در روایات بیشمار، از علائم شیعه بودن عنوان شده است.

زیارت اربعین در «مصباح المتهجد» شیخ طوسی و نیز «تهذیب الاحکام» وی به نقل از صفوان بن مهران جمال آمده است. وی گفت که مولایم صادق(علیه السلام) فرمود: زیارت اربعین که باید وقت برآمدن روز خوانده شود چنین است... (17) این زیارت، به جهاتی مشابه برخی از زیارات دیگر است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعبیر جالب در زمینه هدف امام حسین از این قیام است، دارای اهمیت ویژه میباشد. در بخشی از این زیارت

درباره هدف امام حسین (علیه السلام) از این نهضت آمده است: «... و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة... و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظّه بالارذل الادنی.»؛ خدایا، امام حسین (علیه السلام) همه چیزش را برای نجات بندگان، از نابرداری و سرگشتگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته اند بر ضد وی شوریده آن حضرت را به شهادت رساندند. دو نکته کوتاه: نخست آن که برخی از روایاتی که در باب زیارت امام حسین (علیه السلام) در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه آمده، گریه چهل روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین (علیه السلام) یادآور شده است. (18)

دوم این که ابن طاوس یک اشکال تاریخی هم نسبت به اربعین بودن روز بیستم صفر مطرح کرده و آن این که اگر امام حسین (علیه السلام) روز دهم محرم به شهادت رسیده باشد، اربعین آن حضرت نوزدهم صفر میشود نه بیستم. در پاسخ گفته شده است، به احتمالی ماه محرمی که در دهم آن امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیده، بیست و نه روز بوده است. اگر ماه کامل بوده، باید گفت که روز شهادت را به شمارش نیاورده‌اند. (19)

پی نوشت ها:

- 1- مجموعه ورام، ص 35.
- 2- مستدرک وسائل، ج 9، ص 329.
- 3- الاحتجاج، ص 84.
- 4- بحارالانوار، ج 53، ص 200.
- 5- مستدرک وسائل، ج 5، ص 217.
- 6- مصباح المتعجد، ص 787.
- 7- نزہة الزاهد، ص 241.
- 8- الفتوح ابن اعثم، تصحیح طباطبائی، ص 916.
- 9- لؤلؤ و مرجان، ص 154.
- 10- بحارالانوار، ج 101، ص 334 - 335.
- 11- نفس المهموم ترجمه شعرانی، ص 269.
- 12- آلائارالباقیه، ص 422.
- 13- لؤلؤ و مرجان، ص 152.
- 14- اقبال الاعمال، ج 3، ص 101.
- 15- منتهی الامال، ج 1، صص 817 - 818.
- 16- بررسی تاریخ عاشورا، صص 148 - 149.
- 17- مصباح المتعجد، ص 788، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 113، اقبال الاعمال، ج 3، ص 101، مزار مشهدی، ص 514 (تحقیق قیومی)، مزار شهید اول (تحقیق مدرسه الامام المهدی، قم 1410، ص 185 - 186).
- 18- اربعین شهید قاضی، ص 386.

19- بحارالانوار، ج 98، ص 335 .

منبع: سایت خبری بازتاب، رسول جعفریان

گروه دین و اندیشه تبیان، هدهدی